

### اشاره:

باید بگردی تا یک وقت خالی را از میان برنامه‌هایش پیدا کنی! آنقدر از زمانش استفاده می‌کند و به قول امروزی‌ها پُر ایتیم است که گاهی فکر می‌کنی شبانه روز او از بیست و چهار ساعت بیشتر است! با این حال سخن گفتن با این خوشه چین عالمان و عارفان بسیاری چون آیت‌الله بهجت و علامه مصباح و رزمندۀ هشت سال دفاع مقدس، آنقدر ساده و بی‌آلایش است که اگر با او بنشیننی فکر نمی‌کنی که او وکیل مجلس است یا دکترای فلسفه و عرفان را از دانشگاه بیگ‌همتون نیویورک گرفته یا روزی معلم اخلاق یک هیئت دولت بوده و... این ویژگی‌ها در کنار سکونت نزدیک به نه ساله او در کانادا و آمریکا در امر تحصیل و تحقیق و تبلیغ، ما را بر آن داشت تا به سراغش برویم و درباره‌ی نامه‌ی رهبری با جوان غربی پهای صحبت‌هایش بنشینیم. بعد از مدت‌ها در یکی از ساختمان‌های مؤسسه امام خمینی (ره) او را پیدا کردیم، او نیز بعد از اقامه نماز جماعت، ساده و بی‌آلایش در یک زمان بسیار فشرده با ما سخن گفت.



در گفت‌وگو با حجت الاسلام دکتر آقاهیرانی:

## می‌گفت:

# «بدقولی به محمد صلی الله علیه و آله کار درستی نیست»

غربی ایجاد می‌کند و آن این که منویات ایشان را به گوش بقیه برسانند: «ما علی الرسول إلا البلاغ» وظیفه ات این است که به گوش این‌ها به صراحت برسانی و دیگر مسائل بعد از آن با ما نیست. نمونه‌های زیادی را در غرب دیدم که افراد وقتی با اسلام آشنا می‌شدند، جذب آن شده و دیگر آن را رها نمی‌کردند. بارها برای خودم اتفاق افتاد که افرادی برای اسلام آوردن و ادای شهادتین نزد من می‌آمدند، به آنها می‌گفتم عجله نکن و ابتدا فلان کتاب را بخوان و بعد از آن برای ادای شهادتین بیا، اما آن شخص ناراحت می‌شد و می‌گفت که چرا مرا معطل می‌کنی؟ چرا امروز و فردا می‌کنی؟ البته هدف بنده از ایجاد تاخیر این بود که او عمیق تر و ریشه ای تر با مبانی اسلامی آشنا شود، اما به هر حال ملاحظه می‌کنید که بعد از آشنایی با اسلام، چگونه آنان اشتیاق فراوانی برای قبول و پذیرش آن به خرج می‌دهند.

### فرهنگ پویا: آیا شما اطلاعی از میزان تاثیر گذاری نامه مقام معظم رهبری در بین جوانان غربی دارید؟

چندی قبل، با برخی از دوستان حاضر در آمریکا صحبت کرده و در این مورد از آنان سوال کردم. آنان گفتند این نامه بین خودما خیلی مورد توجه قرار گرفته است. به آنان گفتم که این، کافی نیست ما که همه محتوای نامه را قبول داریم و به آن عمل می‌کنیم. شما باید این نامه را از حالت درون گروهی بیرون آورده و عمومیت ببخشید. قطعاً اگر مردم و به ویژه جوانان از محتوای نامه مطلع شوند، تاثیر زیادی از آن خواهند پذیرفت.

### فرهنگ پویا: به نظر شما چرا مقام معظم رهبری در این برهه زمانی، این نامه را نوشته اند؟

همه دنیا و به ویژه دنیای غرب تشنه حقیقت است. آنان بسیاری از تئوری‌ها را تجربه کرده اند؛ یک زمانی علم زده شدند و زمانی دیگر

### فرهنگ پویا: به عنوان اولین سوال، بفرمایید که به نظر جنابعالی علت

ارسال این نامه از سوی مقام معظم رهبری چه بود؟

طبق فرموده قرآن، توحید، فطری است: «فَطَرَهُ اللهُ الَّذِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهِمَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللهِ» و این فطری بودن به گونه ای است که فرهنگ‌ها، مکان‌ها و زمان‌های مختلف بر آن تاثیری ندارد. غربی‌ها خیلی تلاش کردند تا مردم را به آن سمتی که می‌خواهند، بکشانند تا منافع دنیایی آنها تامین شود چرا که اعتقادی به آخرت ندارند به همین دلیل، همه انسان‌ها و به ویژه جوانان را به عنوان یک ابزار می‌انگارند. آنان برای جذب جوانان به سمت خود، از تمام ظرفیت‌های خود به ویژه از رسانه و تبلیغات فراوان استفاده می‌کنند به گونه ای که ممکن است انسان گمان کند همه آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها از دست رفته اند، در حالیکه این طور نیست. درست است که رسانه‌ها در اختیار پولداران و قدرتمندان است، اما فطرت الهی خاموش نمی‌شود و این فطرت در وجود انسان‌ها نهادینه شده است و اگر کسی باشد که یک تلنگری به این فطرت بزند، بیدار می‌شود و از حالت غفلت بیرون می‌آید. مقام معظم رهبری به عنوان مرشد بزرگ، احساس وظیفه کردند تا با این جوانان سخن بگویند. به شکل طبیعی، این مسئله بازتاب خاص خودش را دارد چرا که مبانی اسلامی بر مبنای توحید نهاده شده است. نامه مقام معظم رهبری با این محتوا، اثر گذاری خودش را دارد و جوانان نیز مشتاقانه در جستجوی درک این مسائل هستند. آنچه مهم است این که باید محتوای این نامه را به گوش آنها رساند. متأسفانه رسانه‌های غربی، سعی زیادی را برای بایکوت این نامه انجام داده اند. حتی در این رسانه‌ها به مقام معظم رهبری توهین هم نمی‌کنند تا مبدا اسم ایشان مطرح شود! با همه این مسائل، بیان ایشان یک وظیفه دیگری برای جوانان متدین و مذهبی و صاحب اندیشه

نظریات امثال فروید مبنی بر آزادی شهوات را تجربه کردند ولی در همه این تجربیات به بن بست برخورد کردند. اکنون آن‌ها به دنبال راهی نجات بخش می‌باشند. دقیقا به همین دلیل است که بیداری اسلامی در دنیا مطرح می‌شود، البته این بیداری به درستی مدیریت و رهبری نشده است. شاید حضرت آقا با این کار می‌خواستند راهی باز شود تا مسلمانان راه را گم نکرده و فریب نخورند. ایشان به عنوان یک دیده بان قوی و مقتدر اوضاع را رصد می‌کنند و به همین دلیل، فرصت فعلی را بهترین زمان برای این کار انتخاب کردند. بی گمان باید گفت که مردم غرب اروپا و آمریکا، مظلوم هستند چرا که زیر سیطره مستکبرین قرار دارند؛ مستکبرینی که به هیچ کسی رحم نمی‌کنند.

**فرهنگ پویا:** همانگونه که می‌دانید، این نامه زمانی نوشته شد که ما در کشور درگیر بحث هسته ای بودیم و دنیا هم منتظر عکس العمل و موضع گیری ایران در این زمینه بود. از طرف دیگر در بعد خارجی نیز با ترویج داعش مواجه بودیم که این جریان موج بزرگی را برای جذب جوانان غربی به راه انداخت. به نظر شما چه ارتباطی بین این نامه و این مسائل وجود دارد؟

طرح این نامه در بهترین موقعیت صورت پذیرفت. در داخل تاثیرات فراوانی داشت. این تاثیر را به ویژه در بین دانشجویان و دانشگاهیان دیده ام. در خارج نیز به همین گونه است. بسیاری از مهاجرین افغانی، عراقی، لبنانی و... که در آمریکا و اروپا زندگی می‌کنند، اولین کسانی هستند که مخاطب این نامه قرار می‌گیرند. گرچه خطاب نامه معظم رهبری، جوانان اروپا و آمریکا می‌باشد، ولی من خود دیدم که این مهاجرین با حساسیت فراوانی، این نامه را پیگیری می‌کنند. حتی دانشجویان مسلمان مقیم در آمریکا و اروپا جلساتی در این مورد گذاشتند و تصمیم گرفتند تا این نامه را ترویج و تبلیغ کنند. اکنون نامه حضرت آقا تاثیر خود را گذاشته و راه هم باز شده است؛ یعنی مقتضی موجود شده مانع تا حدود زیادی مفقود است. انشاء الله شاهد استقبال بیشتر و تاثیرات عمیق تر این نامه در آینده ای نه چندان دور خواهیم بود.

**فرهنگ پویا:** در بخشی از نامه حضرت آقا، بحث «وجدان عمومی» غرب مطرح شد. منظور ایشان از وجدان عمومی چیست؟ آیا منظور، رسانه‌ها می‌باشد یا اینکه واقعا تحولی در غربی‌ها ایجاد شده است؟

خیر! منظور رسانه‌ها نمی‌باشد. جوانان غربی نقد جدی به آمریکا دارند. من خود شاهد این ماجرا بودم. حتی افرادی که انسان فکرش را نمی‌کرد، روی به اسلام می‌آوردند. به عنوان مثال باید به سرخپوست‌های آمریکا اشاره کنم. بسیاری از آنان به راحتی مسلمان می‌شدند. چرا؟ به خاطر این که ظلم و اجحاف فراوانی را از دستگاه حاکمه مشاهده می‌کردند. جوانان آنجا نقدهای فراوانی بر دولتمردان خود دارند. مثلا می‌گویند چرا باید مالیاتی که از ما گرفته می‌شود، به صهیونیست‌ها پرداخت شود؟ اصلا این کار چه معنا دارد؟ برای چه نسل کشی و درگیری در دنیا راه می‌اندازیم؟ به همین خاطر شماتظواهرات گوناگونی را در آمریکا و اروپا بر ضد دولت می‌بینید. دولتمردان غربی وعده‌های فراوانی را به مردم خود می‌دهند، اما وعده‌های آنان به نتیجه نمی‌رسد، چراکه وعده‌های غیرالهی به نتیجه ای نرسیده و عملی نمی‌شود. اما این وعده‌هایی که حضرت آقا داده اند وعده‌های الهی است، شروع آن هم الهی است که از فطرت افراد شروع می‌شود و انتهای آن نیز الهی است.

**فرهنگ پویا:** با توجه به حضور چندین ساله جناب عالی در آمریکا، اگر خاطره ای در این مورد دارید بیان نمایید.

روزی از نیویورک به سمت بیگ همتن که دانشگاه ما آنجا بود، می‌رفتم. عصر راه افتاده بودم و اول غروب آفتاب به یکی از استراحتگاه‌ها رفتم تا در آنجا نماز بخوانم. وقتی رفتم تا وضو بگیرم، دیدم یک جوانی که حالت نامتعادلی داشت و مست بود، به سمت من می‌آید. او نزد من آمد و گفت: پول بنزین ندارم، آیا به من مقداری پول می‌دهی؟ گفتم که من دارم وضو می‌گیرم، وضویم که تمام شد، به تو پول می‌دهم. بعد از اتمام وضو، یک مقدار پول خرد به او دادم. ذکر این مطلب هم ضروری است که پلیس آمریکا رسماً اعلام کرده بود همیشه پول خرد همراه داشته باشید، چرا که اگر مورد تهدید یک زورگیر قرار گرفتیم، بتوانیم با دادن این پول به آن شخص زورگیر، جان خود را نجات دهیم. در واقع این پول، پول خونمان است! در آنجا واقعا امنیت نیست، این امنیتی که ما در ایران داریم، اصلا در غرب و به ویژه آمریکا وجود ندارد. واقعا چندبار اتفاق افتاده که در کشورمان یک پسر بچه داخل مدرسه شود و بقیه بچه‌ها را به رگبار ببندد؟ اصلا چندبار این مسئله را در عمر خود شنیده اید؟ اما در آنجا این مسئله بارها اتفاق افتاده است. من خودم در کانادا شاهد بودم که یک زنی فریاد می‌زد: «کمک!» وقتی دقت کردم دیدم مردی با اسلحه او را هدف گرفته و تعقیب می‌کند و کسی هم جرئت کمک به آن زن را ندارد. من فوراً با ۱۱۰ آنجا تماس گرفتم و درخواست کمک کردم. اما در ایران چند بار این وقایع اتفاق افتاده است؟ آیا اصلا اتفاق افتاده است؟ چنین کاری را نه کسی جرئت دارد و نه درست می‌داند که انجام دهد. حتی آنهایی که خیلی مذهبی هم نیستند نیز این کار را انجام نمی‌دهند چرا که این جزء فرهنگ ما نیست، جزء سبک زندگی ما نیست و ربطی به اسلام و مسلمانان ندارد. در هر حال وقتی که پول خرد را به او دادم، یک دفعه به ذهنم آمد که ما اینجا زکات به کسی نمی‌دهیم، پس چه خوب است تا به عنوان تالیف قلوب به او چیزی بدهیم تا قلبش به سوی اسلام گرایش پیدا کند. به همین خاطر به نزد او رفتم و گفتم که من باز هم پول دارم، او گفت: آیا به من می‌دهی؟ گفتم: بله. یک مقدار پول خرد به او دادم. گرفت و گفت: آیا مسلمان هستی؟ گفتم: بله، من مسلمان هستم. گفت: من اسلام را دوست دارم. گفتم: پس مسلمان شو. گفت: نه! من مسلمان نمی‌شوم، چون من مشروب را دوست دارم، نمی‌خواهم که به محمد(ص) قول بدهم و بعد زیر قولم بزنم، این کار درستی نیست! واقعا نگاه کنید به یک چنین فطرتی! فطرت، زنده است گرچه انسان، مست هم باشد. این همه جو سازی بر ضد اسلام و به ویژه پیامبر اکرم را انداختند، چقدر پول خرج کردند تا پیامبر را تخریب کنند. حتی این تروریست‌های داعش را پرورش دادند تا به زعم خود اسلام را بی‌آبرو کنند، اما می‌بینید که در کار خود ناکام ماندند. باید این نامه و محتوای ارزشمند آن را بیش از پیش به دیگران به ویژه دنیای غرب رساند و آن را تبلیغ کرد. گرچه دیوار بلند تبلیغاتی غرب اجازه نمی‌دهد این پیام ترویج شود و فریاد اسلام به جایی برسد، ولی ما باید تلاش خود را بکنیم. البته باید بگویم که همان زمانی که در آمریکا بودم، تقریباً هفته ای یک الی دو نفر مسلمان می‌شدند و این یعنی آنکه علیرغم کارشکنی دولت‌ها و رسانه‌های غربی، زمینه برای تبلیغ و نفوذ اسلام وجود دارد. امیدوارم به برکت نفس حضرت آقا، این نامه تاثیرات جدی تری بگذارد و همه ما ان شاء الله اثرات آن را ببینیم.

**فرهنگ پویا:** با تشکر از شما به خاطر شرکت در این گفت‌وگو.

پی‌نوشت‌ها:  
۰۱. روم، ۳۰.  
۰۲. مالک، ۹۹.